

پرونده وحید مظلومین بسته شد

پایان تلخ سلطان!



محبوبه ولی، روزنامه نگار

«همه می‌دانستند که هم زرنگ است، هم خوب بو می‌کشد؛ اما آن سال هاتفاقی افتاد که دیگر بو کشیدن ساده نبود و شبیه معجزه بود. آخر تابستان بود که چند معامله بزرگ کرد، حتی شنیدیم که طلا و سکه هم خریده‌است. ماه‌وز برایمان سؤال بود که علت این خریده‌هایش چیست. فردا یا پس فردای آن، از ظهر گذشته بود و در مغازه‌مان نشسته بودیم که دیدیم تلویزیون یک‌برج خیلی بزرگ را نشان می‌دهد که دود از پنجره‌هایش بلند شده. صدرا از یاد کردیم که ببینیم کجا آتش گرفته که یک هواپیما آمدو خورد وسط برج. همه شوکه شده بودیم. به آمریکا حمله شده بود. بازار جهان تکان خورد. این‌جا هم، چند نفر پس افتادند. یک نفر اما برده بود، خوب هم برده بود، دوستانش به شوخی می‌گفتند لعنتی، تو خود ملاعمر هستی که دستور حمله را داده‌ای و حال داری کاسی‌اش را می‌کنی. از آن روز لقب ملارواری او گذاشتند.»

این بخشی از مصاحبه یکی از کسبه بازار طلا و جواهر با روزنامه شرق در شهر یورامسال است. ملاعمری که این طلافروش در موردش حرف زده، ۱۷ سال بعد از آن ۱۱ سپتامبر لقب تازه‌ای پیدا کرد؛ سلطان سکه. همان وحید مظلومین که تیر ماه امسال

خبر خریداری دو تن سکه‌اش همه را انگشت به دهان کرد و به مأمورانی که برای دستگیری‌اش آمدند گفت با افتخار به همه بگوید که سلطان سکه را گرفته‌اید.

این سلطان ملاعمر جنجالی دیروز اعدام شد و خورشید ۱۲۳ آبان ۱۳۹۷ را ندید. نرخ سکه‌ای که او سلطان‌ش بود، تیر ماه پار سال یک میلیون و دویست هزار تومان بود. تیر ماه امسال وقتی که دستگیر شد سکه به بالای سه میلیون تومان رسیده بود و دیروز که اعدام شد سکه چهار میلیون و ۱۲۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شد. آنهایی که او را محاکمه کردند بر این باورند که وضع بازار طلا نتیجه سلطنت مافیایی اوست آن هم در شرایطی که کشور در جنگ اقتصادی است.

سلطنت ارزی سلطان سکه

اما سال‌ها پیش از اینکه ملاعمر باشد و سلطان سکه، وحید مظلومین سودای سلطنت ارز را داشت. رویایی است اما دلاری که این روزها بین ۱۳ تا ۱۵ هزار تومان معامله می‌شود، اواخر دهه ۶۰ زری صد تومان بود؛ صد تا تک تومانی. دهه هفتاد که آمد دیگر سه رقمی شده بود و سال ۷۲ خودش را به ۲۶۳ تومان و یک سال بعد به عدد ۴۰۳ هزار تومان رسانده بود.

در سال ۱۳۷۱ دولت در نرخ ارز دخالتی نداشت و تسلیم نرخ بازار آزاد شد. آن روز ها سلطان ۵۶ ساله‌ای که

دیروز اعدام شد، جوان ۳۰ ساله‌ای بود با سری پرشور برای پولدار شدن که برای اولین بار به اتهام اخلا در نظام ارزی کشور دستگیر شد.

از آن اتهام و دستگیری سرش را به سلامت گذراند، اما دو دهه بعد وقتی از ۳۰ سالگی به استانه ۵۰ سالگی رسید، سال ۱۳۹۱ شده بود؛ ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و تحریم و باز هم آشفتگی بازار ارز و طلا. سال ۹۱ بهارش را با دلار ۱۹۰۰ تومانی شروع کرد و وقتی زمستانش تمام شد دلار به سه هزار و ۳۹۰ تومان رسیده بود. سکه نیز در فاصله آغاز و پایان این سال از ۷۷۰ هزار تومان به یک میلیون و ۳۲۵ هزار تومان رسیده بود و باز هم پای وحید مظلومین در میان بود.

این بار بانک مرکزی به دادش رسید. غلامحسین محسنی اژه‌ای اوایل شهریور امسال گفت که وحید مظلومین در سال ۹۱ به اتهام اخلا در نظام اقتصادی کشور دستگیر شد، اما بانک مرکزی گفت که او معتمد این بانک است و دلارها را بانک مرکزی به او داده تا بازار باز بفرود. برخی عنوان می‌کنند شخص محمود بهمنی، رئیس وقت بانک مرکزی در آن زمان برای آزادی او پادرمیانی کرده‌است. نماینده دادستان در یکی از جلسات دادگاه‌های اخیر او می‌گفت «دستگیر شدن‌ها و تبرئه شدن‌های پیشین او این تصور را ایجاد کرده بوده که وحید

نرخ سکه‌ای که او سلطان‌ش بود، تیر ماه پار سال یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. تیر ماه امسال وقتی که دستگیر شد سکه به بالای سه میلیون تومان رسیده بود و دیروز که اعدام شد سکه چهار میلیون و ۱۲۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شد

مظلومین یکی از عوامل امنیتی برای کنترل بازار است.»

اما اکنون نه تنها به عنوان عاملی امنیتی از او یاد نمی‌شود، بلکه اتفاقا عوامل امنیتی پرونده قطوری از فساد و پولشویی او در بازار جمع آوری کرده‌اند. خلاصه و مختصر پرونده قطور او این است که سلطان ملاعمر به اسم هر کسی از عمه ۷۰ ساله همسرش گرفته تا معلم خصوصی فرزندش حساب باز می‌کرده و سپس با حساب‌هایی که به اسم آنها بوده طلا و سکه خریده و فروش می‌کرده است. مقامات قضایی می‌گویند که این پرونده شامل فعالیت‌هایی که انجام داده فقط در یک روز ۱۵ میلیار تومان به دست آورده است. با این حساب او حق دارد؛ برای کسی که روزی ۱۵ میلیارد تومان می‌تواند در آمد داشته باشد، ۷۰۰ میلیارد

تومان در آمد داشته و پول‌های بسیاری از شهرهای مرزی و عراقی‌ها به حساب او سرازیر می‌شده است که سرخ قاچاق طلا و ارز در کشور است.

فرزند خلف!

او هم‌زمان که سلطان سکه بود به واسطه پسرش، محمدرضا مظلومین دستی نیز بر آتش ارز داشت. اسناد و مدارک قوه قضائیه محمدرضا مظلومین را به قاچاق ارز از کشور متهم کرده‌است. او چند ماه قبل از پدرش در ۲۵ بهمن پارسال دستگیر شد. در این فاصله وحید مظلومین تمامی اسناد و مدارک را از بین برد و چنان به این پاکسازی خود مطمئن است که بعد از دستگیری‌اش گفته بود کسی سندی مبنی بر اینکه او ارز خرید و فروش کرده است، ندارد. حالا او سلطانی است که اعدام شده و پسرش سلطان زاده‌ای ست متواری. دیروز علاوه بر او همدست و شریکش، محمد اسماعیل قاسمی، معروف به محمد سالم نیز اعدام شد. محمد سالم از وحید مظلومین به عنوان یکی از بهترین مشتریان یاد می‌کند و گاهی هزار تا سه هزار عدد سکه از او در هفته خریداری می‌کرده است. پرونده شبکه فساد اقتصادی او ۱۸ متهم دیگر هم دارد که همگی محکوم به حبس شده‌اند.

پدر خوانده رابین هود

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه روز گذشته پس از اعدام وحید مظلومین مصاحبه‌ای که با او در زندان انجام شده را منتشر کرد. تصویر وحید مظلومین در این مصاحبه تصویر کامل یک پدر خوانده است. او درست مثل همان پدر خوانده‌های شبکه‌های مافیایی آسوده‌خاطر سیگار دود می‌کند و هنگامی که آن را به خبرنگار تعارف می‌کند، می‌گوید: «این گران‌ترین سیگار ایران است.» یا آنجایی که در مورد حساب ۷۰۰ میلیاردی شریک ۷۰ ساله‌اش، اقدس مهرافزا، با تعجب می‌گوید: «مگر ۷۰۰ میلیارد حجم پول بالایی است؟» به هیچ عنوان نیست. ۷۰۰ میلیارد تومن پولی نیست. شما بزرگش می‌کنید.»

مقامات قضایی اذعان کرده‌اند، وحید مظلومین طسی فعالیت‌هایی که انجام داده فقط در یک روز ۱۵ میلیارد تومان به دست آورده است. با این حساب او حق دارد؛ برای کسی که روزی ۱۵ میلیارد تومان می‌تواند در آمد داشته باشد، ۷۰۰ میلیارد

او درست مثل همان پدر خوانده‌های شبکه‌های مافیایی آسوده‌خاطر سیگار دود می‌کند و هنگامی که آن را به خبرنگار تعارف می‌کند، می‌گوید: «این گران‌ترین سیگار ایران است.» در باره حساب ۷۰۰ میلیارد تومانی شریک ۷۰ ساله‌اش هم می‌گوید: «مگر ۷۰۰ میلیارد حجم پول بالایی است؟ به هیچ عنوان نیست. شما بزرگش می‌کنید.»

تومان عدد قابل توجهی نیست!

در بازار نیز تصویری که برخی بازاربان از او می‌دهند همان پدر خوانده مخوف و مرموز مافیایی است؛ تصویر مردی که همه چشم به دهان او دوخته‌اند تا قیمت جدید اعلام کند و چشم به پای او دوخته‌اند تا برای خرید یا فروش، یا جای پای او بگذارند و در موردش می‌گویند هر کس که مزاحمش بود را حذف می‌کرد.

برخی تعریف از او نیز نمایی از یک رابین هود است؛ آنهایی که با احترام از او نام می‌برند و می‌گویند بسیاری دست به خیر بوده، کسی دست خالی از پیش او باز نمی‌گشته و برخی نیز معتقدند نابغه‌ای بوده که نان نبوغش را می‌خورده‌است.

در مصاحبه اخیری که از او منتشر شده می‌گوید اگر دوباره شانس بازگشت به بازار را داشته باشد همان کاری را می‌کند که قبلا کرده است؛ اما امروز او نه تنها شانس بازگشت به بازار را ندارد، بلکه حتی شانس بازگشت به زندگی را هم ندارد. او اعدام شد و اقتصاد ایران همچنان می‌لنگد. او گرچه اقتصاد یک کشور را قربانی طمع و وسوسه کرد اما خودش قربانی سیستم ناقص الخلقه‌ای است که هر روز بایک زنجانی‌ها و مه‌آفریدها و جزایری‌ها و مظلومین‌های دیگر می‌زاید، بزرگشان می‌کند؛ آنها هم زخم خود را می‌زند و یا فرار می‌کنند یا در بند و اعدام می‌شوند و این چرخه معیوب همچنان به دور خود می‌چرخد و سلطان تازه‌ای را بر سر جنگل اقتصاد ایران مسلط می‌کند.

شرایط سخت اصلاح طلبان در حکومت فدرالی خراسان!

ناصر آملی از چهره‌های اصلاح‌طلب به ایران گفته‌است: جریان راست اکنون آنچنان تسلطی بر مدیران استان دارد که گویی ما خراسانی‌ها در یک حکومت فدرال زندگی می‌کنیم. آنچه اینجا می‌گذرد چندان تناسبی با سایر نقاط کشور ندارد. شما نمی‌دانید که مادر انتخابات سال ۹۶ چه کشیدیم. فقط یک قلمش را بگویم شبی صدها میلیون تومان غذا در مشهد توزیع می‌شد. این خبر را با اطمینان به شما می‌گویم. از هر دروازه شهر مشهد که وارد می‌شدید عده‌ای ایستاده بودند و برای تبلیغات سیاسی غذا داده می‌شد؛ در ورودی حرم کبک توزیع می‌شد. در روستاها ر سما و علنا با وانت و بلندگو علیه دولت دروغ و تهمت‌علنی گفته می‌شد. مادر چنین فضایی به آقای روحانی رای دادیم و برای ایشان رای جمع کردیم.

■ ■ ■

آیت‌الله مکارم شیرازی:

دولت مردم را سرگرم حضور زنان در ورزشگاه‌ها کند

آیت‌الله مکارم شیرازی در ابتدای درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم گفت: در عهد جاهلیت هم اعراب به قرار دادهای خود پایبند بودند. دولت و ملت ایران بدانند در چنین دنیایی هستیم. اینکه می‌گویند مذاکره کنیم، یا چه کسی مذاکره کنیم؟ با دیکتاتور وحشی؟ در چنین دنیایی راهی جز قوی شدن نداریم، در مقابل زورگویان زورمند شوراهای جزاین نیست. امیدواریم دولت به رفع مشکلات اقتصادی و گرانی بیشتر همت کند و سر مردم را به حضور زنان در ورزشگاه‌ها گرم نکند بلکه به واقعیتهای توجیه کند.

■ ■ ■

ظریف یکشنبه باز خواست می‌شود

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در خصوص اظهارات وزیر امور خارجه درباره پولشویی، به مهر گفت: جمعی از نمایندگان درخواست طرح سوال از وزیر امور خارجه درباره اظهارات اخیرش درباره پولشویی را داشته و خواستار ارائه مستندات در این زمینه هستند. بر این اساس در جلسه یکشنبه هفته آینده (۲۷ آبان ماه) کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، این مسئله را با حضور محمدجواد ظریف بررسی می‌کند.

■ ■ ■

امر ناصواب و بی‌ثواب از قول بهرام قاسمی

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: آنچه از سوی جناب آقای دکتر ظریف در خصوص پولشویی بیان شد تنها بیان صادقانه یکی از مشکلات و مسائل کشور است که پیش از این نیز بارها از سوی بسیاری از مقامات عالی‌رتبه کشور در قوای سه‌گانه و در دولت‌های مختلف، بیان شده‌است. اما بهر برداری سیاسی و جناحی از بخش‌هایی از سخنان آن هم سخنان از روی حسن نیت وزیر امور خارجه که دلسوزانه و در جهت آسیب‌شناسی برخی معضلات و مشکلات کشور و مردم بیان شده‌است، امری است ناصواب و بی‌ثواب.

■ ■ ■

تک‌ذب‌دادگاهی شدن متخلفان به کارگیری باز نشستگان در آذر

ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در واکنش به خبر معرفی بازنشسته‌های شاغل به دادگاه از تاریخ ۱۵ آذر به‌ایسنا گفت: من چه زمانی گفتم که برای این افراد دادگاه تشکیل می‌شود؟ مگر می‌شود این افراد قوری به دادگاه معرفی شوند؟ پانزدهم آذر ماه این مدت تمام می‌شود و از ۱۶ آذر ماه هر کسی که سر کار باشد، خلاف قانون است و مدیری که وجهی به آن پرداخت می‌شود، قطعاً طبق مقررات با او برخورد خواهد شد. پرونده این افراد در صورت تخلف برای دادسرا ارسال می‌شود و هر سازمان و نهادی که از دولت جهت آسیب‌شناسی برخی معضلات و مشکلات کشور و مردم بیان شده‌است، امری است ناصواب و بی‌ثواب.

■ ■ ■

رأی اعتماد دولت به استانداران منتخب چهار استان

اعضای هیات دولت در جلسه امروز به ریاست روحانی رئیس‌جمهور، به استانداران پیشنهادی چهار استان کشور رای اعتماد دادند. بر این اساس احمد علی موهبتی، فتح‌الله حقیقی، محمدجواد فدایی فتح‌آبادی و سید سعید شاهرخی به ترتیب به عنوان استانداران استان‌های سیستان و بلوچستان، زنجان، کرمان و همدان منصوب شدند.



درخواست دارم که تجاهل نفرمایند و از حق مجلس و در واقع از قانون اساسی و بعد مردم سالاری نظام جمهوری اسلامی دفاع نمایند و جناب ایشان فرض کنند که در مجلس دهم نیز حضور دارند. تغییر جایگاه نباید موجب تغییر موضع شود. خود بهتر می‌دانند که اگر این رویه باب شود، مجلس هر طرح یا لایحه‌ای را تصویب کند این هیأت می‌تواند به استناد بندی از صدها سیاست کلی آن را رد کند و چون خود را قائم مقام رهبری در این موضوع می‌داند حق الزام را هم برای خود محفوظ می‌شمارد و در این صورت چیزی برای مجلس باقی نمی‌ماند.»

نگهبان دومی اضافه کرد.

از آقای مصباحی مقدم می‌پرسم، اگر مقام رهبری این وظیفه و اختیار خود را به این هیأت تفویض نمی‌کردند، خودشان چگونه عمل می‌کردند؟

آیا می‌گفتند مصوبات مجلس را بیاورید تا من در باره انطباق آن‌ها با سیاست‌های کلی اظهار نظر کنم و وارد روند قانونگذاری می‌شدند؟ هرگز، پس این هیأت نیز حق چنین کاری را ندارد.

از جناب آقای مصباحی مقدم که از نمایندگان خوش فکر مجالس هشتم و نهم بوده‌اند و قطعاً واقعیت مطلب را می‌دانند،

چیزی هم برای مصوبات مجلس باقی بگذارید!

به دولت، مجلس و قوه قضاییه ابلاغ شود تا در صورت نیاز به قانون جدید، لایحه یا طرح ارائه شود. حداکثر این است که در زمان بررسی لوایح و طرح‌ها در مجلس نیز این هیأت نظرات خود را به کمیسیون‌های مربوط ارائه نماید تا مجلس تصمیم بگیرد. ولی وقتی که لایحه یا طرحی مصوب شد، دیگر این هیأت حق ندارد به عنوان شورای نگهبان دوم انطباق مصوبه با سیاست‌های کلی را بررسی و مجلس را ملزم به رفع ایرادات کند؛ زیرا این امر خارج از وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی است و استناد شورای نگهبان به بند ۲ اصل ۱۱۰ برای ورود این هیأت به روند قانونگذاری و سیاست‌های کلی را در عرض قانون اساسی قرار دادن نیز کاری است خلاف قانون اساسی، چون علاوه بر این که بحث در نظارت بر اجرائست و نه ورود در قانون‌گذاری، مبنای انطباق فقط شرع و قانون اساسی است و مرجع ناظر نیز فقط شورای نگهبان است، نه میتوان مبنای انطباق دیگری به نام سیاست‌های کلی افزود و نه میتوان شورای

از ایشان سؤال می‌کنم، آیا در قانون اساسی غیر از شورای نگهبان هیچ نهاد دیگری حق بررسی مصوبات مجلس را آن هم صرفاً از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی دارد؟ پاسخ منفی است. اما ایشان جواب می‌دهند که چون مقام رهبری وظیفه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی موضوع بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی را به این هیأت تفویض کرده‌اند، پس این هیأت می‌تواند مانند یک شورای نگهبان دیگر مصوبات مجلس را از نظر انطباق با سیاست‌های کلی، بررسی و نظر خود را به مجلس ارائه کند و مجلس موظف است ایرادات را رفع کند.

از ایشان سؤال می‌کنم از کجای این تفویض، ورود هیأت مذکور به روند قانونگذاری و اضافه شدن یک مرحله جدید به مراحل قانونگذاری کشور فهمیده می‌شود؟

بند ۲ اصل ۱۱۰ می‌گوید: نظارت بر «اجرای» سیاست‌های کلی، نه ورود در روند قانون‌گذاری، یعنی قوانین موجود ارزیابی شود و آن چه خلاف سیاست‌های کلی است

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اظهارات یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در تایید رویه فعلی هیات نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در ارتباط با مصوبات مجلس، گفت: اگر این رویه باب شود، چیزی برای مصوبات مجلس باقی نمی‌ماند، چون مجلس هر طرح یا لایحه‌ای را تصویب کند این هیأت می‌تواند به استناد بندی از صدها سیاست کلی آن را رد کند و چون خود را قائم مقام رهبری در این موضوع می‌داند حق الزام را هم برای خود محفوظ می‌شمارد و در این صورت چیزی برای مجلس باقی نمی‌ماند.

به گزارش ایسنا، علی مطهری در یادداشتی که در اختیار ایسنا قرار داد، نوشت: «جناب حجت الاسلام آقای مصباحی مقدم عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت در مصاحبه‌ای رویه فعلی هیات نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در ارتباط با مصوبات مجلس را منطبق با قانون اساسی دانسته‌اند.

خبر

مطهری با طرح ۴ سوال از مصباحی مقدم: